



فرهنگ نامه بصیرت (عربی - فارسی)

محمد محمندی ری شهری

مترجم: حمیدرضا شیخی

پیگیری و نظارت: واحد حکمت‌نامه‌ها

بازبین علمی: محمّد احسانی فر - مهدی غلامعلی، حیدر مسجدی

بازبین ادبی: سید مجتبی فیوری

ارباب‌گذار: رسول افقی

مصدر پاپ احادیث: علی حویسی (نجفی)

ویراستار عربی: عبدالکریم مسجدی - حسین دباغ

سرور: محمد علی حیدر

ویرا: ناز فارسی سید محمد دلال موسوی

نمونه‌خون: علی نقی نقی، سید هاشم شهرستانی

خوش‌نویس: حسن فرزندان

صفحه‌آرا: محمّد ضیاء طحانی

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: پنجم / ۱۳۹۷

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۸۵۰۰ تومان



دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵، تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس:

۳۷۱۸۵ / ۴۴۶۸ / ص.ب ۰۲۵ / ۳۷۷۴۰۵۷۱

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم) تلفن: ۰۲۵ - ۱۷۷۴۰۵۴۵ / فروشگاه شماره «۴»

(قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف پلاک ۲۹، تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۲۰۹ /

۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۳۱۰

فروشگاه شماره «۳» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام درب شرقی، تلفن:

۰۲۱ - ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۴» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام درب جنوبی) تلفن:

۰۲۱ - ۵۱۲۲۴۴۹۳

<http://darolhadith.ir>

darolhadith.20@gmail.com

ISBN: 978 - 964 - 493 - 478 - 0

<http://shop.darolhadith.ir>

* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.



۹ ۷۸۰۱۰۶۸۱۰۴۰۵۴

فهرست اجمالی

۷	بیشگفتار
۱۵	درآمد
۲۹	فصل یکم: چشم بصیرت
۳۳	فصل دوم: تشویق به تحصیل بصیرت
۴۵	فصل سوم: خاستگاه‌های بصیرت
۵۵	فصل چهارم: عوامل رشد بصیرت
۸۵	فصل پنجم: آثار بصیرت
۱۰۷	فصل ششم: اهل بصیرت
۱۱۷	فصل هفتم: نداشتن بصیرت
۱۳۳	فصل هشتم: موانع بصیرت
۱۵۱	فهرست منابع و مآخذ

پیش‌گفتار

فرهنگ، ماه، دینی است که در آن، دانش، فرهنگ^۱ و حکمت باشد و فرهنگ‌ناشناسان میراث‌سازان از دریای بیکران علوم و معارف ناب اسلامی و مدخلی^۲ دیگر از دانش‌نامه قرآن و حدیث است که به صورت مستقل، منتشر می‌شود. در این دانش‌نامه، واژه‌ها و اصطلاحاتی که در قرآن و احادیث، کاربرد فرهنگی گسترده‌ای دارند، به ترتیب الفبایی، بانظمی نوین و با ذکر نمونه‌کار^۳ ارائه شده است. معناشناسی و تحلیل تبیین می‌گردند. در لابه‌لای این دانش‌نامه، برخی مدخل‌ها، از کاربرد فرهنگی ویژه و بسامد استفاده بالایی برخوردارند. بدین معنا که عموم مسلمانان و یا گروه‌های خاصی از آنان، به صورت شانزده‌روزگی گسترده، با آنها، سروکار دارند. از این رو، به منظور تصحیح و تقویت فرهنگ عمومی جوامع اسلامی، ضروری است معارف مربوط به این

۱. فرهنگ: علم؛ دانش؛ ادب؛ تربیت؛ پدیده‌ای کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام، شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است (ر.ک: لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین و فرهنگ بزرگ سخن).

۲. در دانش‌نامه‌ها، به هر واژه اصلی که توضیحی (مقاله‌ای) در ذیل خود دارد، «سرواژه» یا «مدخل» می‌گویند. به مجموع سرواژه و توضیح، بر روی هم، نیز «مدخل» گفته می‌شود (ر.ک: فرهنگ بزرگ سخن).

گونه‌ها و اصطلاحات، به صورت «کتاب همراه» و «کتاب راه‌نما»، در اختیار همگان قرار گیرد.

با این نگاه، مدخل‌هایی از این دست - که گفتیم -، به صورت کتاب‌هایی مستقل و در اندازه‌هایی که حمل و مطالعه آن آسان باشد، در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرند.

گفتنی است که در این سلسله آثار، برای آنچه مربوط به رفتار یا اصول خاص است (مانند: ادب، اذان، شادی و آرزو)، نام «فرهنگ‌نامه» را برای آنچه مربوط به گروه‌های اجتماعی (مانند: کارگران، بسیجیان، جوانان و کودکان) می‌شود و یا آموزه‌های حکیمانه پیشوایان بزرگ (مانند: پیام‌های بزرگ الهی (چون لقمان حکیم) را ارائه می‌نماید، نام «حکمت‌نامه» را برگزیدیم.

فرهنگ‌نامه بصیرت، چهارمین کتاب از مجموعه فرهنگ‌نامه‌هایی است که با هدف تصحیح و تقویت فرهنگ انجمن‌های رفتاری، در دست تدوین‌اند.

گفتنی است که تأکید اخیر مقام معظم رهبری بر ضرورت تقویت «بصیرت»^۱ در فضای کنونی جامعه، ایجاب می‌نماید که بدین منظور راه‌نمودهای جامع و سازنده قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) درباره بصیرت را در اختیار همه علاقه‌مندان (بویژه نسل جوان و نخبگان) قرار گیرد. ایشان در این باره فرمودند:

۱. بصیرت: آگاهی؛ دانایی؛ بینش؛ ژرف‌نگری؛ روشن‌بینی.

ملّتی که بصیرت دارد، [و] مجموعه جوانان کشور، وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند... بصیرت وقتی بود، غیاز آلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند،... [و] به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان، ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد، قدم می‌گذارد. شما در جبهه جنگ، اگر راه را بلد نیستید، اگر نقشه خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید [و] می‌فهمید در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید؛ دشمن [دارد] بر شما تسلط می‌کند. این قطب‌نما، همان بصیرت است.

در زندگی پیچیده اجتماعی امروز، بدون بصیرت، نمی‌شود حرکت کرد. جوان‌ها باید آگوش کنند، بیندیشند، [و] بصیرت خودشان را افزایش بدهند... معاهدان موجود در جامعه ما... از دانشگاهی و حوزوی... باید به مسئله بصیرت، اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و... بصیرت، یعنی این که بدانید چه می‌خواهید، تا بدانید چه باید یا خودتان داشته باشید...

جوانان عزیز! هر چه می‌توانید، در افزایش بصیرت خود، [و] از عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید دشمنان، از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند.^۱

۱. سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای - مدظله - در جمع مردم چالوس و نوشهر، به تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱۵.

بی تردید، یکی از مهم‌ترین رازهای شکست حکومت امام علی علیه السلام، سوء استفاده دشمنان از بی بصیرتی هواداران ایشان بود، در گزارشی آمده که امام در این باره می‌فرماید:

يا أَهْلَ الْكُوفَةِ، مُنِيتُ مِنْكُمْ بِثَلَاثٍ وَ اثْنَتَيْنِ: صُمُّ ذَوُو أَسْمَاعٍ، وَ
 ذَوُو كَلَامٍ، وَ عُمِي ذَوُو أَبْصَارٍ، لا أَحْرَاضَ صِدْقٍ عِنْدَ اللُّقَاءِ، وَ
 لا إِخْوَانُ يُثَقِّعُ عِنْدَ الْبِلَاءِ.

این که بیان این سه خصلت [که در شما هست] و دو خصلت [که در شما نیست]، گرفتار آمده‌ام: گوش دارید، اما کَرید، و زبان دارید، اما لایبید، چشم دارید، اما کورید، [و اما آن دو خصلتی که ندارید] سنگام دیدار، آزاد مردانی هستید صادق، و نه به گاه سختی، بر آن‌ها اعتماد نکنید.

بر پایه این سخن، جامعه‌ای که در بصیرت لازم برخوردار باشد، نه تنها حق را می‌بیند و باطل را در چهره‌های گوناگون تشخیص می‌دهد، بلکه عملاً از حق، جانبداری می‌کند و از پیش‌رازان حق، اطاعت می‌نماید. چنین جامعه و مردمی، بارهبران الهی، صادقاً رفتار می‌کنند و در عوض، در سختی‌ها و مشکلات، مورد اعتماد آن‌ها می‌شوند. در دام دشمنان قرار نمی‌گیرند.

اما مردمی که امام علی علیه السلام بر آنها، حکومت می‌کرد به دلیل آن که فاقد بصیرت بودند، به سادگی در دام دشمن می‌افتادند، آنها نمی‌توانستند چهره روشن و زیبای حق را مشاهده کنند. از این رو، نه از حق،

جانبداری می‌کردند و نه از امام خویش فرمانبرتری داشتند. با امام خود، یکرنگ نبودند و امام نیز نمی‌توانست در بحران‌ها به آنها اعتماد کند. این‌گونه بود که حکومت امام علی علیه السلام، در اثر بی‌بصیرتی یاران ایشان و مردم آن دوران، شکست خورد و در تاریخ اسلام، حکومت دیگری که در ساختار، اندک شباهتی به آن داشته باشد، پدید نیامد، تا پس از قرن‌ها تلاش و مجاهدت، به برکت رهبری امام خمینی علیه السلام، در جامعه ایرانی، بصیرتی پدید آمد که در پرتو آن، مردم، حق را دیدند و با نهایت صداقت بر پیشری خویش اطاعت و از حق، جانبداری کردند و امام علیه السلام با اعتماد به خدا و همراهی چنین مردمی توانست انقلاب اسلامی را در ایران، به پیروزی برساند، مردمی که در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود، باره این فرموده است:

من با جرئت، مدعی هستم که ملت ایران و تریه میلیون‌ها آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیر المؤمنین و حسین بن علی - صلوات الله علیهما - می‌باشند.^۱

بدین سان، انقلاب بزرگ و شکوهمند اسلامی، در ایران، تحقق یافت و با الهام گرفتن از الگوی حکومت علوی، به شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی انجامید.

بی‌تردید، تثبیت نظام جمهوری اسلامی در ایران، محصول

بصیرت جامعه ایرانی و تداوم این نظام نیز در گرو بصیرت اکثریت قاطع این مردم است، و هدف مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای از تأکید بر ضرورت برنامه‌ریزی برای افزایش بصیرت همگان و بویژه نسل جوان، چیزی نیست جز ادامه یافتن این راه، تا روزی که پرچم جمهوری اسلامی، به دست صاحب اصلی آن، حضرت آیه الله الأعظم - ارواحنا فداء و عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ - داده شود و البته آن روز نیز، عصر اصلی در جهانی شدن اسلام و ارزش‌های اسلامی، «بصیرت» خواهد بود. امام علی علیه السلام، بر پایه آنچه در نهج البلاغه آمده، با اشاره به آن روز، چنین می‌فرماید:

... حَتَّى إِذَا رُبِّقَ الْحُجُومُ، وَاسْتَرَاحَ قَوْمٌ إِلَى الْفِتَنِ، وَأَشَالُوا عَن لُقَاحِ حَرَبِهِمْ، لَمْ يَمُرَا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ، وَكَمْ يَسْتَعْظِمُوا بِذَلِّ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ، حَتَّى إِذَا وَافَقَ وَارِدُ الْقَضَاءِ انْقِطَاعَ مُدَّةِ الْبَلَاءِ، خَلَوْا بِصَائِرِهِمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ، وَدَاوُوا الْعَيْبَ بِأَمْرِ وَعَظِيمِهِمْ.

... تا آن که پایان مهلت، نزدیک می‌شود و گس‌هی آسایش خویش را در آشوب می‌جویند و در بیجویی فتنه، تسلیم جنگ می‌افشانند. [در این حال، آن ره‌یافتگان روشن‌بین و صاحب بصیرت]، به خاطر شکیبایی خود [در پیکار با باطل]، بر سدا مثنی نمی‌نهند، و جان‌فشانی‌های خویش را در راه حق، بزرگ نمی‌پندارند تا آن که چون قضای الهی به تمام شدن مدت بلا و آزمایش تعلق گیرد، [بصیرت] بینش‌های خود را بر سر شمشیران می‌نهند [و بصیرت خود را پشتوانه سلاح و قدرت خود

قرار می‌دهند] و به فرمان اندرزگویی خویش^۱ مطیع پروردگار خود می‌گردند.^۲

امید آن که همگان، بویژه نخبگان، برای زمینه‌سازی آن روز، به مسئولیت الهی خود عمل کنند، تا هر چه زودتر، آن روز موعود، فرا رسد.

بازی فرهنگی، فرهنگ‌نامه بصیرت، گامی کوتاه در راه فرهنگ‌سازی «بصیرت» و زمینه‌سازی برای جامعه مهدوی است. در این فرهنگ‌نامه، مسائل مهمی مانند: واژه‌شناسی بصیرت، تعریف بصیرت، ارزش بصیرت، خاستگاه‌های بصیرت، عوامل افزایش بصیرت، آثار بصیرت، زبان‌های فقدان بصیرت و موانع بصیرت، از نگاه قرآن و حدیث، ارائه می‌گردد.

شایان ذکر است که متن آیات و روایات این مجموعه، با همکاری محققان پژوهشکده علوم و معارف حدیث گردآوری شده است که از ایشان و دیگر همکارانی که در «پژوهشکده علوم و معارف حدیث»، در ساماندهی این اثر سهیم بوده‌اند، و نیز مترجم سران‌قدر، آقای

۱. گفتنی است که برخی شارحان نهج البلاغه، به قرینه جملات بعدی خطبه، مفسرین را از «اندرزگو» را «پیامبر ﷺ» گرفته‌اند؛ لیکن به نظر می‌رسد که آن جملات، بخش دیگری از سخنان امام علی است که توسط سید رضی، انتخاب و تقطیع شده و بلافاصله پس از بخش مورد نظر ما قرار گرفته است و همان طور که در منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (ج ۹ ص ۱۳۲) آمده و به قرینه عنوان خطبه، مقصود، حضرت بقیة الله الأعظم امام مهدی - ارواحنا فداء - است.

حمیدرضا شیخی - که با ترجمه روان و زیبای خود، فهم آیات و احادیث این فرهنگ‌نامه را برای پارسی‌زبانان میسر ساخت -، صمیمانه سپاس‌گزارم و از خداوند منان، برای آنان پاداشی فراوان و درخور فضل و کرامتش، مسئلت دارم.

رَبَّنَا! تَقَبَّلْ مِنَّا؛ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

محمدی ری شهری

۲۸ مهر ماه ۱۳۸۸

اول ذی قعدة ۱۴۳۰

درآمد

واژه‌شناسی «بصیرت»

واژه «بصیرت» از ماده «بصر» است که، دو معنای اصلی دارد: یکی، علم و دیگری، درستی، سختی و خشونت. در این جا، معنای نخست مقصود است. احمد بن عربی، در این باره می‌گوید:

باء و صاد و راء از ریشه‌های اصلی را تشکیل می‌دهند: یکی، عبارت است از علم به چیزی، گفته می‌شود: «هُوَ بَصِيرٌ بِهِ»؛ یعنی: «او به آن چیز، داناست... بصیرت به معنای سیر است و به معنای برهان هم آمده است. احسن حالت این علم روشن بودن چیزی است... اما معنای اصلی دوم، درشتی (و درختی) است. از همین معناست «بَصْر» که عبارت از دو چرم به هم دوخته است، چنان که کناره پارچه، دوخته می‌شود.^۱

این منظور، «بصر» و «بصیرت» را چنین معنا کرده است:

بَصْر، یعنی چشم؛ اما [برخلاف «عین»]، مذکر است. گفته شده: بصر، عبارت از حواس دیدن است... بصیرت، یعنی حجت...

۱. معجم مقاییس اللغة: ج ۱ ص ۲۵۳ و ۲۵۴، بصر.

بَصْر، یعنی نفوذ در دل. «بَصَرَ الْقَلْب» به نگاه و خطوط آن می‌گویند و بصیرت، یعنی عقیده قلبی... بصیرت، یعنی هوش... «فَعَلَ ذَلِكَ عَلَى بَصِيرَةٍ»، یعنی از روی قصد و آگاهی و «عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ»، یعنی از روی غیر یقین... «عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكُمْ وَ يَقِينٍ»، یعنی: «با داشتن شناخت و یقین در کار شما»... بصیرت، یعنی عبرت... بَصْر، یعنی علم. «بَصُرْتُ بِالشَّيْءِ»، یعنی: «آن چیز را دانستم»... و بصیر، به معنای «عالم» است.^۱

راغب اصفهانی، در توضیح معنای «بصر» و «بصیرت» می‌گوید: بَصْر به عضو بینایی... و به نیرویی که در آن است، گفته می‌شود. به نیروی ادراک کننده قلب هم «بصیرت» و «بَصْر» می‌گویند... و به عضو بینایی، کمتر بصیرت گفته می‌شود. در صورت اول (دیدن با چشم)، «أَبْصَرْتُ» می‌گویند. و در صورت دوم: «أَبْصَرْتُهُ» و «بَصُرْتُ بِهِ». در صورت دیدن با حواس بینایی، چنانچه با رویت قلبی همراه نباشد، به ندرت گفته می‌شود «بَصُرْتُ».^۲

بررسی آنچه در تبیین معنای بصیرت آمد، نشان می‌دهد که این واژه، در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ مانند: دانش، بینش دل، نور دل، آگاهی، زیرکی، هوشیاری، برهان، عبرت و اعتراف صریح دینی.

۱. لسان العرب: ج ۴ ص ۶۴ و ۶۵ «بصر».
۲. مفردات ألفاظ القرآن: ص ۱۲۷ «بصر».
۳. رک: دانش‌نامه جهان اسلام: ج ۳ ص ۴۸۴ «بصیرت»، دائرة المعارف قرآن کریم: ج ۵ ص ۵۷۳ «بصیرت».

أَمَّا هَمَةُ أَيْنَ مَعْنَى، در واقع - همان طور که ابن فارس گفته - به معنای اَوَّلِيَّةُ مَادَّةٌ بَصِيرَتٌ، باز می‌گردند. حتّی اطلاق «بصر» به چشم نیز بدان جهت است که چشم، یکی از مهم‌ترین راه‌های تحصیل علم و معرفت است.

گفتنی است که هر چند بصیرت، در اصل به معنای علم است؛ لیکن باید توجه داشت که، «بصر» علم، بصیرت نیست و هر عالمی، بصیر نامیده نمی‌شود؛ بلکه این واژه، حاکی از نوعی احاطه علمی و آینده‌نگری است.^۱

بصیرت، در قرآن و حدیث

در قرآن کریم، مشتقات «بصر»، ۱۴۸ بار و واژه «بصیرت»، دوبار تکرار شده است.

به طور کلی، واژه «بصر» در متون اسلامی، گاه در باره بینایی ظاهری و حسی، و گاه در باره بینایی باطنی و عقاید استوار می‌رود. به تعبیر دیگر، مردم از نظر بینش، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. بر پایه برخی از پژوهش‌ها، واژه بصیرت، در فرهنگ‌های مختلف، بیش از سایر واژه‌ها، به خود اختصاص داده که موضوع آینده و آینده‌نگری در میان بیشتر آنها مشترک است. همچنین، بررسی سیر تاریخی این واژه، نشان می‌دهد که این واژه، از زبان سانسکریت و از شرق به غرب رفته است. وجوه اشتراک فرهنگی این واژه، در شرق و غرب فراوان است که مهم‌ترین آنها، آینده‌نگری و تفاوت اصلی در چگونگی آن است. اولیای خدا، در جستجوی شهود معنوی از طریق بصیرت‌اند، در حالی که رهبران و مدیران، در جستجوی بصیرتی هستند که آینده سازمان خود را با موفقیت، قرین سازند (ر. ک: مقاله «بصیرت در رهبری و مدیریت اسلامی»، محمّد آذگلی).

دسته اول، دیده عقل آنها نزدیک‌بین است، آینده خود و جهان را نمی‌بینند و ادراکات آنها در محسوسات خلاصه می‌شود و به تعبیر زیبای قرآن:

﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غٰفِلُونَ﴾^۱

از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند، حال آن‌که از آخرت غافل‌اند.

این دسته هر چند به ظاهر بینا هستند؛ ولی در فرهنگ قرآن و حدیث، کور محسوب می‌شوند.

بر پایه گزارشی، امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی‌های خود در مدینه، به این نکته مهم، این‌گونه اشاره فرموده است:

مَا كُلُّ ذِي قَلْبٍ بَلْبِيبٍ، وَلَا كُلُّ ذِي سَمْعٍ بِسَمِيعٍ، وَلَا كُلُّ نَاطِقٍ بِبَصِيرٍ.^۲

نه هر که دلی دارد خردمند است، و نه هر که گواشی دارد نیک شونده است، و نه هر که دیده‌ای دارد بیننده است.

دسته دوم، جامع‌نگر و واقع‌نگرند؛ هم نزدیک را خوب می‌بینند و هم دور را. ادراکات آنها، در محسوسات خلاصه نمی‌شود؛ هر چند به دنیا را می‌بینند و هم خانه آخرت را. در فرهنگ قرآن و حدیث، این

۱. روم: آیه ۷.

۲. نهج البلاغه: خطبه ۸۸، الکافی: ج ۸ ص ۶۴ ح ۲۲، الإرشاد: ج ۱ ص ۲۹۲، بحار الأنوار: ج ۳۲ ص ۴۳ ح ۲۸.

دسته از مردم، بصیر و بینا نامیده می‌شوند.

بر پایه روایتی، امام علی علیه السلام، این دو دسته از مردم را این گونه

معرفی نموده است:

إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصْرِ الْأَعْمَى، لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئاً، وَ
الْبَصِيرُ يَنْقُذُهَا بَصَرُهُ، وَ يَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا. فَالْبَصِيرُ مِنْهَا
شَاخِصٌ، وَ الْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ، وَ الْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ، وَ
الْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ.

همان دنیا، و بسین دیدرس انسان کور [دل] است و در فراسوی
آن، چیزی نمی‌بیند؛ اما بینشور، نگاهش از دنیا فراتر می‌رود و
می‌داند که [سرای حقیقی] در برای این دنیا است. پس بینشور، از
دنیا دل و دیده بر می‌گیرد و کور [دل] به آن می‌نگرد. بینشور، از
آن توشه بر می‌گیرد و کور [دل] برای آن توشه فراهم می‌آورد.^۱

بنا بر این، بصیرت و بینایی حقیقی در فرهنگ قرآن و حدیث، به
معنای جامع‌نگری و آینده‌نگری علمی و عملی است و کسانی «بصیر»
نامیده می‌شوند که در پرتو بینش صحیح، در جهت تأمین منافع مادی و
معنوی، و دنیا و آخرت خود، حرکت کنند. همه آیات و روایاتی که در
این بخش در باره دیده بصیرت، ارزش بصیرت، عوامل تقویت
بصیرت، مبادی، آثار و موانع آن آمده است، تعریف یاد شده را تأیید
می‌نمایند. پیش از ملاحظه آیات و روایات مربوط، به این نکات توجه
فرمایید:

۱. همتایان بصیرت، در مفهوم

در قرآن و روایات اسلامی، واژه‌هایی وجود دارند که می‌توان گفت که معادل واژه بصیرت‌اند و یا بسیار نزدیک به آن‌اند؛ مانند:

الف - یَقْظَهُ

یکی از واژه‌های معادل بصیرت، «یَقْظَهُ» است. در این باره، از امام علی (ع) نقل شده است:

الْيَقِظَةُ أَيْ صَارَ ۱.

یَقْظَهُ بیدار شدن بصیرت یافتن است.

و در روایتی دیگر از ایشان، در معرفی اهل بصیرت، آمده است:

فَأَسْتَصْبِحُوا بِنُورِ يَقِظَةِ فِرَاقِ الْأَبْرَارِ وَرِوَا الْأَسْمَاعِ وَالْأَفْنِدَةِ.

پس بدین سبب، چشم‌ها را گوش‌ها و دل‌هایشان، از نور بیداری روشن گردید. ۲

ب - نور

همتای دیگر بصیرت، نور است:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَءَامِنُوا بِرِسُوْلِهِ نَبَأٌ مِّنْ بَيْنِ
مِنْ رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ. ۳﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و به پیغمبر از بگریوید تا از رحمت خویش، شما را دوباره عطا کند و برای شما

۱. غرر الحکم: ح ۱۷۶.

۲. ر.ک: ص ۱۱۱ ح ۱۲۲.

۳. حدید: آیه ۲۸.

نوری قرار دهد که به [برکت] آن، راه سپرید^۱.

ج- فرقان

یکی دیگر از واژه‌های بسیار نزدیک به مفهوم بصیرت، واژه «فرقان» است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از خدا پروا کنید، برای شما فرقی (نیروی جداکننده حق از باطل) قرار می‌دهد^۲.

همچنین در بسیاری از روایات، واژه‌های دیگری همچون: عقل^۳، معرفت، علم و حکمت^۴ نیز در معنای بصیرت به کار رفته‌اند.

۲. بینای مطلق

در نوزده آیه از قرآن، خداوند متعال با صفت بینایی، توصیف شده است.^۴ این صفت، حاکی از احاطه علمی و ذاتی آفریدگار بر همه چیز است. لذا برخی از روایات، بصیر را از صفات ذات خداوند دانسته‌اند. بنا بر این، بینای مطلق اوست و همه چیز، بینایی را از او دریافت می‌کنند^۵ و هر کس به او نزدیک‌تر باشد، از بصیرت و بینش بیشتری

۱. انفال: آیه ۲۹.

۲. ر. ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۱ ص ۱۷۵ (پژوهشی در باره معنای خرد).

۳. ر. ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۲ ص ۲۴۷ (پژوهشی در باره معنای دانش).

۴. ر. ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۵ ص ۳۶۹ (فصل نهم: بصیر).

۵. دریافت عقل از خدا - که در شماری از روایات آمده - اشاره به این معناست (ر. ک:

دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۱ ص ۴۲۶ پاورقی ۱).

برخوردار خواهد بود.

۳. معنای دیده بصیرت

از منظر قرآن، در باطن انسان، شعور مرموزی وجود دارد که با الهام فطری الهی، می‌تواند خوب را از بد، و حق را از باطل تشخیص دهد. متن سخن خداوند متعال در این باره، چنین است:

﴿لَا تَلْمِزْهُمَ بِالْحَدِّ مَا نَحْنُ بِغَائِبٍ عَنْهُمْ فَلْيُذَكِّرْهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَلْهِمْهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾

سوتند به حدس و آن که آن را درست کرد اسپس پلیدکاری و بره باره اش رابه آن، الهام کرد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام، این الهام فطری، چنین تفسیر شده است:

أَيُّ عَزَفَهَا وَأَلْهَمَهَا، مِمَّ خَيْرٌهَا فَأَخْتَارَتْ.

یعنی به آن شناساند و الهام فرمود. سپس، او را مخیر ساخت و او انتخاب کرد.^۲

و در حدیث دیگری از ایشان، آمده است که: «ربارة الهام فجور و تقوا می‌فرماید:

عَزَفَهُ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ.

حق و باطل رابه او شناساند.^۳

و نیز در تفسیر آیه ﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾ و دوراه رابه او نشان دادیم،^۴

۱. شمس: آیه ۷-۸.

۲. ر.ک: ص ۴۴ ح ۲۳.

۳. ر.ک: ص ۴۴ ح ۲۴.

۴. بلد: آیه ۱۰.

ایشان روایت شده:

نَجَدَ الْخَيْرِ وَ نَجَدَ الشَّرِّ.

[یعنی: راه نیکی و راه بدی را [نشان دادیم].^۱]

دیده بصیرت، در واقع، همان شعور فطری مرموز و ادراک باطنی وجود در باطن انسان است که قدرت تشخیص نیک و بد، خیر و شر، و حق و باطل را در او راه آینده‌نگری و پیروی از حق و دوری گزیدن از باطل، دعوت می‌نماید.

این شعور و ادراک، در ابتدای زندگی، به صورت استعداد و اجمال، در نهاد همه انسان‌ها وجود دارد و به تدریج، شکوفا می‌شود. شکوفایی این شعور، شبکه فانی انسانیت است و فلسفه بعثت انبیای الهی، چیزی جز رشد و بالندگی، شکوفایی انسانیت و سازندگی جامعه مطلوب انسانی نیست.

با بهره‌گیری از برنامه انبیا در تقویت اراکات باطنی، قدرت دیده بصیرت، به تدریج، افزایش می‌یابد تا آن جا که حقایق معقول، به صورت محسوس برای انسان قابل رؤیت می‌گردند، چنان‌که از پیامبر ﷺ روایت شده که می‌فرماید:

مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ فِي وَجْهِهِ عَيْنَانِ يُبْصِرُ بِهِمَا أَمْرَ الدُّنْيَا، وَ عَيْنَانِ فِي قَلْبِهِ يُبْصِرُ بِهِمَا أَمْرَ الْآخِرَةِ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَتَحَّ عَيْنَاهُ اللَّتَيْنِ فِي قَلْبِهِ، فَأَبْصَرَ بِهِمَا مَا وَعَدَهُ بِالْغَيْبِ، فَأَمَّنَ بِالْغَيْبِ عَلَى الْغَيْبِ.

هیچ بنده‌ای نیست، مگر آن که دو چشم در چهره‌اش دارد که با آنها، امور دنیا را می‌بیند و دو چشم در دلش که با آنها امور آخرت را مشاهده می‌کند. پس هر گاه خدا، خیر بنده‌ای را بخواهد، دو چشمی را که در دل اوست، می‌گشاید و او با آنها، آنچه را خداوند در عالم غیب وعده‌اش را داده است، می‌بیند و به وسیله غیب (دو چشم دل) به غیب (/ به غیب بر روی غیب)، ایان می‌آورد.^۱

بدیهی است که مراد از خداوند حکیم در باره باز شدن دیده بصیرت شماری از انسان‌ها، گزاف نیست؛ بلکه به مقتضای نظام حکیمانه آفرینش، بصیرت کسانی باز شده، تقویت می‌گردد که در جهت شکوفایی ادراکات عقلی و قلبی، حرکت کرده باشند.

۴. خاستگاه‌های بصیرت

بر پایه آنچه در تبیین معنای بصیرت ارائه شد، خاستگاه بصیرت، مشابه خاستگاه علم، معرفت و حکمت است. همان‌گونه که عوامل و موانع آن نیز با اسباب و آفات عناوین یاد شده، مشابهت دارند. لذا برای تکمیل مباحث مربوط به بصیرت، ملاحظه بخش قابل‌تأملی از آیات و روایات مرتبط با معرفت‌شناسی،^۲ ضرور است. اما آنچه در این بخش، با عنوان «خاستگاه‌های بصیرت» مطرح شده، می‌تواند خاستگاه درونی و بیرونی بصیرت، تقسیم کرد:

۱. ر.ک: ص ۲۹ ح ۲.

۲. ر.ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۱ و ۲ و ۳.

خاستگاه درونی بصیرت، عبارت است از نیروی باطنی قادر بر تشخیص حق و باطل، و خیر و شر.

خاستگاه بیرونی بصیرت، خود دو گونه است: گونه اول، شامل رهنمودها و برنامه‌هایی که ریشه در قرآن و تعالیم انبیا دارند و موجب شکوفایی فطرت بصیرت می‌شوند؛

• گونه دوم نیز هدایای غیبی الهی که در نتیجه اجرای تعالیم انبیا در زندگی، موجب تقویت نیروی بصیرت می‌گردند و بر این اساس، خاستگاه‌های بصیرت، در فصل سوم، در ذیل عناوین فطرت (سرشت)، کتاب خدا، اسلام، توفیق، خلاصه شده است.

۵. عوامل تقویت دیده بصیرت

عوامل تقویت بصیرت، دو دسته را شامل می‌شود: عوامل علمی و عوامل عملی. به سخن دیگر، بر پایه رهنمودهای انبیای الهی، شکوفایی فطرت بصیرت، هم به مجاهدت علمی نیاز دارد و هم به مجاهدت عملی. متونی که در فصل چهارم، با عناوین: اندیاشیدن، خردمندی، دانش آموختن و عبرت آموختن آمده‌اند، به نقش اندیشه و تلاش‌های علمی، در تقویت دیده بصیرت، اشاره دارند و متونی که با عناوین: پروای از خدا، یاد خدا، اخلاص، پارسایی و... آمده‌اند، به نقش تلاش‌های عملی در این باره، اشاره می‌نمایند. جالب توجه این که در این عوامل، در این آیه شریف، خلاصه شده‌اند:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾

و کسانی که در راه ماکوشیده‌اند، به یقین، راه‌های خود را بر آنان می‌نمایانیم. *

۶. برکات افزایش نیروی بصیرت

بر پایه آنچه گذشت، به میزان مجاهدت‌های علمی و عملی انسان، بیش یا کم از او، افزایش می‌یابد و سالک، در نخستین گام، کاستی‌های درونی خود را بهتر می‌بیند، زیرکی، آینده‌نگری، شجاعت و سایر کمالات انسانی را در او تقویت می‌شوند و در نهایت، در نتیجه خودسازی، با عطف‌ای از مَوْتِ بصیرت و بینایی باطنی می‌رسد که حقایق معقول را به حقیقت محسوس می‌بیند و به بالاترین مراتب ایمان - که ایمانِ شهودی است - می‌رسد و این می‌یابد و پیشوای اهل بصیرت می‌گردد.^۱

۷. اصلی‌ترین آفت دیده‌بصیرت

نقطه‌مقابل مجاهدت‌های علمی و عملی - که موجب تقویت دیده‌بصیرت می‌گردند -، پیروی از تمایلات نفسانی است. از این رو، اصلی‌ترین آفت دیده‌بصیرت یافتن، هواپرستی و پیروی عملی از خواسته‌های ناپسندِ درونی است و بدین سان، هر چه پیروی از نفس از نفس آواره، بیشتر شود، چشم بصیرت او ضعیف‌تر می‌گردد. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده:

۱. ر. ک: ص ۲۹ (چشم بصیرت) و ص ۱۰۷ (فصل ششم: اهل بصیرت / پیشوایان بصیرت).

الهُوَى شَرِيكَ الْعَمَى .

هوس، شریکِ کوردلی است.^۱

وقتی انسان، به چیزی علاقه پیدا کرد، دیگر نمی‌تواند معایب آن را ببیند و زشتی‌های آن را بشنود:

عَيْنُ الْمُحِبِّ عَمِيَّةٌ عَنِ مَعَايِبِ الْمَحْبُوبِ . وَ أَدْنَاهُ صَمَاءٌ عَنِ قُبْحِ

نفسانی .

پس دیده عاشق، از دیدن عیب‌های معشوق، کور است و گوش او، از

شنیدن زشتی معایش، کور.^۲

سایر آفات و موانع بصیرت، ریشه در پیروی از تمایلات نفسانی دارد و بدین جهت، اصلی‌ترین راه مبارزه با آفات، داشتن دیده بصیرتِ جهاد با نفس است که در فرهنگ روانشناسی اسلامی، «جهاد اکبر» نامیده شده است.

کسی که توفیق این جهاد را نیابد و در میدان مبارزه با تمایلات نفسانی، شکست بخورد، نه تنها دیده بصیرت را از دست می‌دهد و از درجه انسانیّت سقوط می‌کند، بلکه از هر حیوانی، گمراه‌تر و خطرناک‌تر می‌گردد. چنین انسانی، سرنوشتی جز دوزخ، نخواهد داشت.

۱. ری: ص ۱۳۳ ح ۱۴۴.

۲. ری: ص ۱۴۵ ح ۱۶۶.